

سفینه روغای سفینه ای شیعی از قرن هشتم (بخش اول: رسایل و مطالب منثور)

علی صدرايي خويي

درآمد

سفینه ها، بیاض ها و جنگ های خطی آثار ارزشمندی است که تاکنون پژوهشهای جدی در مورد آنها کمتر صورت گرفته است. پیشرو کاوش در این زمینه، زنده یاد ایرج افشار است که آثار ارزشمندی را در این زمینه، شناسایی و معرفی نموده، که مجموعه مقالات ایشان در این زمینه، در کتاب «سفینه و بیاض و جنگ» شامل بیست و سه مقاله از ایرج افشار، توسط آقای میلاد عظیمی گردآوری و از سوی انتشارات سخن در تهران در سال ۱۳۸۹ ش در ۴۹۰ صفحه در قطع وزیری منتشر گردیده است.

درباره تاریخ پیدایش و تطور تدوین سفینه ها و جنگ ها، تاکنون کاوشی صورت نگرفته و به همین دلیل آماری در این زمینه نمی توان ارائه نمود.

در این نوشته سفینه ای از قرن هشتم هجری، متعلق به دانشمندی شیعی گمنام، معرفی می گردد که در نوع خود بی نظیر است و درباره متون منقول شیعی از حدیث و دعا، مطالب جدیدی دارد و برای چند متن مهم شیعی، کهن ترین نسخه شناخته شده، محسوب می گردد.

سفینه‌های قرن هشتم هجری

سفینه‌های مخطوط در سده هشتم، بخش مهمی از مجموعه‌های مخطوط، جهان اسلام را تشکیل می‌دهد. در ایران اسلامی بیشترین توجه به سفینه‌ها و جنگ‌ها، متعلق به سده هشتم هجری است و از این سده، تاکنون - آبان ماه سال ۱۳۹۴ ش - هفت جنگ یا سفینه، تماماً یا بخشی از آنها، منتشر گردیده، که عبارتند از:

۱. مجموعه عرفانی مدرسه نمازی خوی

این نسخه مجموعه مهمی است که توسط محمد بن محمد بن احمد بن عمر ملقب به ضیاء الحافظ در سال ۷۰۹ ق تحریر شده و به شماره ۹۶۳ در مدرسه نمازی خوی نگهداری می‌شود. کاتب این مجموعه را برای یکی از عارفان سده هشتم تحریر نموده و شامل چند رساله و مطالب عرفانی مهم است، بدین ترتیب:

۱ و ۲ - السایر الحایر و آداب صوفیه، هر دو از: نجم الدین کبری (۶۱۹ ق)

۳ - قدسیه، از: روزبهان بقلی شیرازی (۶۰۶ ق)

۴ - نهج الخاص، از ابو منصور معمر اصفهانی (زنده در ۴۱۸ ق)

۵ - کلمات شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ ق)

۶ - سؤال و جواب عرفانی، از: سیف الدین باخرزی

۷ - مطالب متفرقه که در برگهای بین رساله‌ها به صورت پراکنده تحریر شده است.

از این مجموعه کلمات شیخ الاسلام - که منحصر به همین نسخه بوده - توسط استاد گرانقدر دکتر محمد رضا شفیعی کدکی تصحیح گردیده و در کتاب «در هرگز انسان و همیشه انسان از میراث خواجه عبدالله انصاری» (چاپ: تهران، نشر سخن، ۱۳۹۴ ش، ۵۴۵ ص، رقعی)، ص ۱۷۲-۲۹۲، منتشر گردیده است.

۲. سفینه تبریز

از ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، که در سالهای ۷۲۳-۷۲۱ ق در تبریز، آن را تدوین نموده است. نسخه اصل این سفینه در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۵۹۰ نگهداری می‌شود و در سال ۱۳۸۱ ش در تهران از سوی مرکز نشر دانشگاهی در ۳۸+۷۲۴ صفحه باسی و هشت صفحه مقدمه به صورت فاکس میله، منتشر شده، در سال جاری (۱۳۹۴ ش)، متن تصحیح شده آن از سوی مرکز نشر دانشگاهی در تهران، در نوزده جلد منتشر گردیده، و همچنین فهرس



آن، در اثر مستقلی با نام «فهارس سفینه تبریز»، نشر یافته است.

۳. سفینه شمس حاجی

از شمس الدین محمد بن دولت‌شاه بن یوسف شیرازی، تدوین و کتابت ۷۴۱ق، (چاپ عکسی)، مقدمه و تصحیح و تحقیق میلاد عظیمی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸ش، ۶۸۹ص. در مقدمه آن درباره انواع جنگ‌ها و سفینه‌ها بحث شده است.

۴. جنگ مهدوی

تاریخ کتابت از ۷۵۳ق به بعد، چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه دکتر اصغر مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ش، ۳۰+۵۹۰ص، متن عکسی جنگ ص ۱-۵۴۰.

۵. بیاض تاج الدین احمد وزیر (۷۸۲ق)

(چاپ عکسی)، زیر نظر ایرج افشار و مرتضی تیموری، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳ش، ۱۶+۹۲۷ص. متن تصویری بیاض ۹۲۷ص است. این بیاض در سالهای اخیر دردو جلد تصحیح و منتشر شده است.

۶. بیاض علاء مرندی

که در سال ۷۹۲ق تحریر شده و بخشی از آن مربوط به غزلیات حافظ که در عصر حافظ تحریر گردیده، در تهران توسط آقای علی فردوسی منتشر شده است (رک: سفینه و بیاض و جنگ، ص ۴۰۵-۴۴۹).

۷. یتیمه الدرر و کریمه الفقر

(مجموعه نظم و نثر مسطور از خطوط اکابر شیراز)، از جمال الدین محمد بن محمد اصفهانی مدعوبه جمال معلم زنده در ۷۹۷ق، نسخه برگردان دستنویس ش ۵۸۷۴ کتابخانه ملک، با مقدمه و توضیحات بهروز ایمانی، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۹۰ش، (۳۷+۱۶۷ص)، متن عکسی کتاب ۹۱ صفحه است.

همانطور که ملاحظه می شود، تاکنون هفت سفینه و بیاض و جنگ، متعلق به سده هشتم هجری، تماماً، یا بخش‌هایی از آنها، منتشر شده است. سفینه ای که در نوشته حاضر معرفی می شود یکی دیگر از سفینه‌های متعلق به سده هشتم است. و از نظر تاریخی بعد از سفینه تبریز قرار دارد. یعنی در سال ۷۴۰ق، تدوین شده است. ویژگی این سفینه آن است که سفینه روایی و ادبی است و جامع آن از دانشمندان شیعه می باشد، برخلاف هفت سفینه مذکور، که جنبه

ادبی و علمی در آنها بر دیگر موضوعات، غلبه دارد.

در این نوشتار مندرجات این سفینه به اجمال بررسی و معرفی می گردد و امید است روزی این اثر ارزشمند به صورت تصحیح و تحقیق شده، در اختیار اهل علم قرار گیرد.

۱. نسخه سفینه

این سفینه ارزشمند در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۴۸۱ نگهداری می شود و دارای ۱۴۲ برگ است. این سفینه از دو بخش تشکیل شده است.

بخش اول: بخش الحاقی و جدید که سی و سه برگ اول سفینه را شامل می شود. مطالب این بخش در قرن نهم یا بعد از آن، تحریر شده است.

بخش دوم: بخش اصلی که از برگ ۳۴ تا ۱۴۲، را در بر می گیرد و شامل ۱۰۸ برگ (۲۱۶ صفحه) می شود. و سفینه ای که روغای تدوین نموده همین بخش است که در سال ۷۴۰ ق، مطالب آن را تحریر نموده و روغای (صاحب سفینه) در موارد متعدد، نام خود و تاریخ تحریر مطالب را ذکر نموده است.

به دلیل اهمیت بخش دوم (سفینه روغای)، ابتدا این بخش معرفی می گردد و بعد از آن بخش الحاقی (که در اول آن قرار دارد)، معرفی خواهد شد.

۲. مالکان

در بخش کهن این سفینه تملکی دیده نمی شود. شاید هم علامت تملکها در الحاق بخش جدید، از بین رفته است. اما در آغاز بخش الحاقی، سه نشان تملك دیده می شود.

اولین تملك متعلق به دانشمند معروف شیعه، فقیه و اصولی صاحب آوازه، میرزای قمی صاحب قوانین، است. عبارت تملکی که او به خط خودش در ظهر برگ اول نوشته، کوتاه و بدون ذکر تاریخ و محل تملك است. نص عبارت وی چنین است: «من كتب الاقل ابي القاسم بن حسن».

میرزای قمی کتابخانه مفصلی داشته که بعد از وی بین ورثه اش تقسیم شده و هم اکنون نیز بقایایی از آن کتابخانه در نزد برخی از اعقاب او وجود دارد.

تملك دوم بعد از میرزای قمی، و در مقابل دستخط او نوشته شده است. نویسنده این دستخط - که گویا از عالمان بوده - برای رفع شبهه در مقابل تملك میرزای قمی چنین نوشته است: «انتقل الی بالیغ الشرعی من ورثة صاحب القوانين قدس سره وانا العبد الجانی». او



نام خود را نوشته و به ضرب مهر چهار گوش خود در ذیل نوشته اش با سجع «محمد امین سید هردو عالم ۱۱۳۹»^۱، اکتفا نموده، و از آن معلوم می شود که نام وی «محمد امین» بوده است. درگذشت میرزای قمی در سال ۱۲۳۱ ق، اتفاق افتاده، بنابراین، تملك محمد امین بعد از این تاریخ صورت گرفته است.

تملك سوم، به يك مهر خلاصه می شود با عبارت: «کتابخانه باقر ترقی شماره ۱۰۳»، و گویا بعد از وی این نسخه به کتابخانه مجلس رسیده است.

در گوشه صفحه اول این سفینه، عبارتی نوشته شده، و گویا متعلق به کتابفروشی بوده که می خواسته قیمت این نسخه را در میان کتابهای فروشی خود، معین کند. عبارت وی که در گوشه سمت راست پایینی نسخه نوشته شده چنین است:

«کتاب متفرقات بد خط، لا ادری اسم».

۳. پدید آورنده

گرد آورنده این جنگ عالمی شیعی از سده هجتم هجری است. او در ترقیمه نوشته هایش خود را «علی بن حسین معروف به روغای»، معرفی می کند. از نام وی و نام پدرش و همچنین مطالبی که در این سفینه جمع آوری نموده، نمایان است که وی از عالمان شیعی است. او این سفینه را در سال ۷۴۰ و در ماه رجب تارمضان، تحریر نموده و در چند جا به نام خود و نام پدرش تصریح نموده است. به جهت اشتها روی به روغای، تنها اثر شناخته شده از وی، به «سفینه روغای»، نام گذاری گردید، تا یاد از وی شده باشد.

از این سفینه، نمایان می شود که علی روغای به منابع اختصاصی امامیه دسترسی داشته و از آنها نقل نموده است. شیوه وی در نقل مطالب، چنان است که به هیچ ماخذی، حتی اشاره هم نکرده و از هیچ شخصیت شیعی یا غیر شیعی یاد نمی کند. تنها ذکری که کرده در دو سند روایی از چند شخصیت یاد کرده و در توقیعی که از حضرت صاحب الزمان علیه السلام، نقل نموده و آن توقیع خطاب به شیخ مفید بوده، و نام وی در سند توقیع قرار داشته، در ذکر سند آن به طور ضمنی از شیخ مفید یاد کرده است.

او روایات زیادی را از ائمه شیعه علیهم السلام و از مصادر اختصاصی شیعه ذکر کرده، ولی حتی در يك مورد هم، ماخذ نقل و سند روایت را ذکر نکرده است.

۱. این عدد مربوط به سال نیست گویا ماده تاریخ یا رمزی بوده که صاحب مهر از آن استفاده نموده است.

او همچنین در این سفینه از هیچ محلی و منطقه ای یاد نکرده، و به همین دلیل اساساً نمی‌توان احتمال داد که وی ساکن چه منطقه‌ای بوده است. همچنین معلوم نشد که «روغای»، چه کلمه یا نسبتی است و به چه معناست. آیا نام منطقه ای که مؤلف بدان منسوب بوده، یا نام قبیله یا خاندانی است که وی بدان تعلق داشته است. برای نگارنده چیزی، از این مطالب روشن نگردید. شاید فضلالی گرام در آینده، اطلاعاتی در این زمینه به دست آورده و سرنوشت این دانشمند شیعی روشن گردد.

البته از برخی قرائن بعیده در این سفینه، می‌توان احتمال داد که وی ساکن ری قدیم بوده، و روغای گویا نام محلی در اطراف ری بوده است.

۴. ساختار

ساختار این سفینه، موضوع جالبی است. پدیدآورنده اصلی آن یعنی علی بن حسین روغای، دارای خطی زیبا بوده و نوشته‌هایش را به صورت منظم و زیبا تحریر نموده و در پایان مطالبش در چند مورد نام و تاریخ تحریر را به وضوح ذکر کرده است. او سطر اوراق را دقیق نوشته - هر چند تعداد سطور برگها بین ۱۸ تا ۳۰ سطر در نوسان است - ولی حاشیه‌ها را دقیق رعایت نموده، و عنوانها را یا به سنگرف نوشته، یا به خط مشکی جلی، تحریر نموده است. روغای به دلیل نظم و دقتی که داشته، وقتی رساله یا مطلبی در نیمه صفحه به اتمام رسیده، نیمه دیگر صفحه را سفید گزارده است. او بین رساله‌ها نیز صفحه یا صفحاتی را سفید گزارده، تا نظم و زیبایی سفینه اش، محفوظ بماند. این مطالب اصلی را او از رجب تا رمضان ۷۴۰ ق تحریر کرده است. ولی پس از تحریر مطالب اصلی، توسط خود روغای و در برخی موارد به خط دیگران، مطالبی در جاهای سفید مانده اضافه شده است.

۵. محتوا

این سفینه مطالب مختلفی را در بردارد که هر کدام در موضوع خود جدید و تازه بوده و سرفصل تحقیقات جدیدی را در آن موضوع می‌گشاید. نویسنده سفینه به روایات شیعی و مسائل عرفانی علاقمند بوده، به همین دلیل این دو موضوع در این سفینه بسیار پررنگ تر است. در عرفان اشعار زیادی به فارسی و در برخی موارد به عربی نقل نموده، که در چند مورد نام شاعر و اشعارش، منحصر در همین سفینه است. در اینجا مطالب این سفینه به صورت موضوعی، در چند فصل و هر فصل در چند بند معرفی می‌شود.



۵-۱. دعای سمات

اولین مطلبی که در این سفینه تحریر شده، دعای سمات معروف به دعای شبّوراست. این دعا در کتابهای مهم شیعه از جمله مصباح المتهدّج نقل شده که نسخه های کهن خوبی دارد. اما کهن ترین نسخه مستقل دعای سمات، متعلق به سال ۱۰۶۰ق (فهرست نسخه های خطی کتابخانه میبدی در مشهد، ص ۹۷) و دومین نسخه متعلق به کتابخانه مرکز احیای اسلامی، به خط ابراهیم بن طیفور بسطامی در سال ۱۰۸۷ق (فهرست نسخه های خطی مرکز احیای میراث اسلامی، ج ۵، ص ۳۸۴)، است. بنابر این نسخه حاضر که - بنا به قرینه مطالب دیگر این سفینه - در سال ۷۴۰ق، تحریر شده، بیش از سه قرن از نسخه های یاد شده، کهن تر است. این نسخه با نسخه ای مصباح المتهدّج که شیخ عباس قمی در مفاتیح نقل نموده، یکسان است و در برخی موارد اختلاف نسخه هایی در برخی کلمات دارد که اهمیت دارد و باید جداگانه بررسی گردد. مسئله دیگر ملحقاتی که بعد از دعای سمات در مفاتیح ذکر شده ولی در نسخه حاضر وجود ندارد. دعای سمات در این نسخه با این عبارت، خاتمه می یابد:

«... و بارکت ليعقوب نبيك في امة موسى و باركت لحبيبيك محمد صلعم في ذريته و عترته و امته كما غنبا عن ذلك و لم نشهده و آمنّا به و لم تره صدقاً و عدلاً ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تبارك على محمد و آل محمد و ترحم محمد و آل محمد كفضل كما صليت و باركت و ترجمت و تحننت على ابراهيم و آل ابراهيم انك حميد مجيد فعال لما يريد و انت على كل شي قدير و صلي الله على محمد و آلّه اجمعين اللهم بحق هذه سلامه (كذا) التي لا يعلم تفسيرها الا انت افعّل كذا كذا». (۳۴-۳۴ب)

۵-۲. دعاء النبي

آغاز: «دعاء النبي الذي قرأه كل يوم مرّة و اوصى لاصحابه بالقراءة، بسم الله الرحمن الرحيم. يا الله يا الله يا الله، يا رحمن يا رحمن يا رحمن، يا رحيم يا رحيم يا رحيم، يا لا اله الا انت اللهم اني اسئلك يا رحمن يا رحيم». (ص ۳۵-۳۵ب).

۵-۳. چند حدیث و دعا

بدین ترتیب:



الائمة الاثني عشر عليهم السلام: «روى عن ابي سعيد قزويني قال حدثنا محمد بن مهران عن ابي سمينه عن محمد بن ابي عمير عن عمر بن اذينة قال انّ علي بن ابي طالب نظر الى ابنه الحسين يوماً قال انّ ابني هذا سيد في الدنيا والآخرة كما سماه جدّه وسيخرج من صلبه رجل...». دعای: «اللهم ومن الذي دعاك فلم تجبه ومن الذي سالك فلم تعطه ومن الذي استجارك فلم تجده ومن الذي توكل عليك فلم تكفه...».

دعاء يوسف بيغمبر عليه السلام حين التقى في الجب من تلقين جبريل عليه السلام: يا صريخ المستصرخين ويا غوث المستغثين يا مفرج كرب المكروبين قد ترى مكاني وتعرف حالي. قال النبي صلى الله عليه وآله لابي ذر: الا ادلك على اهون العبادة على البدن واثقلها في الميزان؟ قال: بلى يا رسول الله. قال: طول الصمت وحسن الخلق و عليك بها فانك لا تعمل بمثلها. (برگ ۳۵).

۴-۵. حديث معراج به نقل از علي عليه السلام

این حدیث به طور کامل در کتاب ارشاد القلوب دیلمی (قرن هشتم) نقل شده است. و در بین نسخه های شناخته شده از آن، نسخه حاضر - که در ۷۴۰ ق تحریر شده - کهن ترین نسخه به شمار می رود.

«بسمله. عن امير المومنين علي بن ابي طالب عليه افضل الصلوات انه قال سأل رسول الله صلعم ليلة المعراج ربه تعالى فقال يا رب اي الاعمال افضل فقال الله عز وجل يا محمد ليس شئ من الاعمال عندي افضل من التوكل والرضا بما قسمت...». تحریر ظهر شنبه رجب سال ۷۴۰ ق. (۳۷-۴۱ ر).



صنعا و نیتو علی الله و یسک کثیرا و نیتو حجکا و یخالف هواه و یتخذ المیزینا و العلم صلیما
 و یتخذ صلیبنا و العلم اصیبا یا و انفقوا و یطلب بوضای و یغترف من خطی و یفهم
 من الخواصین هربا و یغترف العاصین خوارا و ینتفک نکلای اشتغالا امیکثرا یتبع
 در امانا یکنون بالو عدصا و با و العبد و انیما یکتف قلبه ظامرا او نه الصلوة زاکیا و
 و الفوا یض یختمه او فیما عندی من التولیب داعبنا و عنانی زاهبا و لاجبا حتی
 ترینا جلیسنا **یا احمس** لوصول العبد صلوة اهلها و الارض و
 یصوم صیام اهل السما و اهل الارض و طوی الخطام من اللالیة
 و یسیر لیا س العاری ثم اری ما قلبه من حب الدنيا فتره او شغفه او ریاستنا
 او صلیبنا او زینتنا انجا و انی یذاری و انزع من قلبه محبتی و اظلمت
 قلبه حتی ینسانی و لا اذیته صلوة محبتی و علیک سلام در محبتی
 و تحمد رب العالمی وصلی الله خیر صلوة محمد و آله و الطاهرین
 لم یکن الاحبار لغوب العلم و حسن لوصفهم و العواذ لهم السور و مع الصبی
 یسیر الله الحرام **ص** لدع و سعجما به علی ارضه و انهم کما و اقوام
انما علی المعروف بر روغای الهمم و نونها محمدا و آله
 الله لا اله الا هو الحق العلی العظیم الله لا اله الا هو لا اله الا هو الله لا اله الا هو لا اله الا هو
 و الارض یا ذی الجلال و الاکرام اللهم انی استسک باسما یک المعززات المکرات
 المیزونات المقدمات الذی صدق علی نوره و قد صنه نوره و قد قوت کل نوره
 و قد کنت کل نوره و قد السموات و الارض و قد العرش العظیم و اسکندر الکبیر
 و بنشدة سلطاک المیزینة شنة جبر و تک کما الحمد لله لا اله الا هو الخاتمة المنان الیوم
 و الارض یا ذی الجلال و الاکرام یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب
 غفار یا غفار و انتم کلکم المؤمنین و المؤمنات و الصالحین **یا ارحم الراحمین**

تصویر صفحه آخر حدیث معراج با نمونه ای از خط جامع سفینه
 (تحریر سال ۷۴۰ ق، ص ۴۱ ر)



٥-٥. تعداد الكبائر

آغاز: «روى ابو عبد الله السندى عن سعيد بن سفيان الثورى عن ابيه عن مجاهد عن ابن عباس عن النبي ﷺ انه قال الكبائر سبعون كبيرة عن ابى عبد الله عن سهل عن عبد الكريم عن حزيز عن ليث عن مجاهد عن ابن عباس عن النبي ﷺ انه قال الكبيرة سبعون كبيرة الاول الاشرار بالله تعالى وحده...». (٤١-٤٣ ر).

٥-٦. دعاء فاضل

«يا موجود قبل كل شى ويا باقى بعد فناء كل شى سبحانك لاله الا انت تصاغر كل شى بجبروتك وذل كل شى بعزتك...» (٤٣ ر).

٥-٧. عطا الخراسانى

«قال عطا الخراسانى: انّ من وراء جبل القاف دابة يقال لها هلوع، يرمى كل يوم سبعة صحارى ويشرب سبعة اجر...» (٤٣ ر).

٥-٨. ابواب الثمانية للجنة

«روى عن ابن عباس رضى الله عنه انه قال قال رسول الله صلعم انّ للجنة ثمانية ابواب على كل باب مكتوب اربع كلمات...» (٤٣ ب).

٥-٩. حجاب النبى

«حجاب النبى صلعم من القرآن وهى سبعة آيات اولها ختم الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة...» (٤٣ ب).

٥-١٠. قال جعفر بن محمد ﷺ:

«انّ الله خلقنا وصورنا فاحسن صورنا وجعلنا عينه فى عباده ولسانه الناطق فى خلقه...» (٤٤ ب)

«روى عن الصادق ﷺ انه قال: كان على ﷺ كل بكرة يطوف فى اسواق الكوفة فوضع الدرّة على عاتقه وكان تسمى السبتية فيقف ويناهى بهذا الكلام الذى كتبت هاهنا قال امير المؤمنين افضل الاعمال ما اكرهت نفسك عليه. صدق...» (٤٤ ب)

٥-١١. توقيع امام حسن عسكرى ﷺ

«قد سعدنا ذرى الحقايق باقلام النبوة والولاية...» (٤٤ ب)

٥-١٢. نمازهاى دهه اول ذبحه به نقل از امام جعفر صادق ﷺ



«روایت می کند جعفر صادق علیه السلام از نبی صلی الله علیه و آله و نبی روایت می کند از جبریل علیه السلام که حق تعالی می فرماید که ای جبریل بگو با محمد تاده روز از ذیحجه روزه دارد و در اول غسل کند و هر شب این نماز بکند...». (۴۵ ر)

۵-۱۳. تسبیح

«تسبیح محمد صلی الله علیه و آله: سبحان الله زنة عرشه سبحان الله عدد رضاه سبحان الله عدد كلماته سبحان الله عدد خلقه سبحان الله ملاء ارضه سبحان الله مثل ذلك الحمد لله مثل ذلك لا اله الا الله مثل ذلك الله اكبر». (۴۵ ب).

«تسبیح علی علیه السلام: سبحان من تعالی جده و تقدست اسمائه سبحان من هوالی غیره غایة یدوم بقاءه سبحان من استناد بنور حجابہ دون سمایه سبحان من قامت السموات بلا عمد...». (۴۵ ب).

۵-۱۴. روایات نبوی

بیست حدیث کوتاه نبوی، بدون ذکر مصدر، به عربی تحریر شده است. (۴۵ ب).

۵-۱۵. قال الامام زين العابدين علیه السلام:

قال زين العابدين علیه السلام: «عَرَّ المومن غناوه عن الناس». (۴۵ ب).

۵-۱۶. شهاب الاخبار قاضی قضاعی

از شهاب الاخبار سه نسخه کهن دیگر در کتابخانه های ایران نگهداری می شود که نسخه حاضر از نظر قدمت چهارمین نسخه محسوب می شود. سه نسخه کهن تر عبارتند از: کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی) نسخه ش ۲۱۴۷، به خط یاقوت مستعصمی، تحریر سال ۶۹۰ ق؛

کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ش ۴۵۵۶، تحریر حسن آوی در سال ۷۰۹ ق؛

نسخه عکسی ش ۱۶۱۳ کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم، که از روی نسخه ۵۳۳ موجود در واتیکان تصویر برداری شده و تحریر سال ۷۳۵ ق است.

نسخه حاضر که در اوایل رجب سال ۷۴۰ ق تحریر شده است.

آغاز: «کتاب الشهاب من کلام النبی صلی الله علیه و آله اللهم ایدنا بکلامه ولا تحرمننا عن شفاعته. بسمله عونک یا لطیف. قال القاضی ابو عبد الله محمد بن سلامه بن جعفر القضاعی الفقیه الشافعی: الحمد لله القادر الفرد الحکیم الفاطر الصمد الکریم...». (۴۶ ر-۵۷ ب)

۱۷-۵. مسائل نبوی (ص)

سوالاتی که از حضرت پیامبر ﷺ پرسیده شده، و آن حضرت به آنها پاسخ داده است. آغاز: «سأله عن قدر بکاء آدم ﷺ؟ قال بکاء آدم علی الجنة فخرج من عينه الیمنی مثل الدجلة ومن الیسری مثل الفرات...». (۵۸-۵۹ ب)

۱۸-۵. سیروسلوك

عربی، از ناشناخته، مطلب کوتاهی است در سیروسلوك: فواید قلة طعام، آفات الشبع، فواید القناعة، التوکل، الصبر، العبودية، التواضع، الارادة، التقوی، الرجا، الصدق، الخوف، البلاء، الحياء، الفقر، التوحید.

«اعلم ان فی قلة الاكل فواید كثيرة ومنافع جميلة فمنها ان يكون الانسان اصح جسماً و اجود حفظاً وازكافهماً و احلى قلباً و اقل نوماً و اصدق رويماً و اعف نفساً و احد بصراً و الطف فكراً و اصفی سمعاً و اصح حساً و اسد رأياً و اقبل علی العلم... العبودية معانقة الامر و مفارقة الزجر، المجاهدة بذل المستطاع فی امر المطاع، التواضع تبرك الحق بحسن الخلق، الارادة اهتياج اللب و انزعاج القلب، التقوی تنزیه الوقت من موجبات المقت، الرجا سرور الفؤاد بحسن الميعاد، الصدق استواء الجهر و السر، الخوف ارتعاد القلب بما عمل من الذنب، البلاء تحفة من الحق، الحياء دوام الحشمة، الفقر اختيار العدم، المعرفة سقوط الوهم لوضوح الاسم، التوحید سقوط الرسم عند ظهور الاسم، التوحید فناء التوحید الاغيار عند طلوع الانوار. تمت». (۵۹ ب).

۱۸-۵. دعاء امیر المومنین علی ﷺ

«توصية امیر المومنین ﷺ بقراءة هذا الدعاء: بسم الله الرحمن الرحيم مرحباً بملائكة الله المقربين و انبياء الله المرسلين و ائمة الهدى اجمعين. مرحباً بكرام الكاتبين الذين ماتغفلون و يفعلون ما يومرون مرحباً بالموكلين من الرقباء و الحفظة فی النوم و اليقظة... و من خلفهم سداً فاغشينا هم فهم لا يبصرون. تمت». (۵۹ ب).

قال امیر المومنین ﷺ: اتی لم اره كالجنة و نام طالبه و لا كالنار و نام هارها. (۵۹ ب).

۱۹-۵. دعاء یا من اظهر الجمیل و ثواب قراءة آن

«عن ابن عباس ان جبرائیل ﷺ اتی النبی ﷺ فی احسن صورة لم یاتنه قط ضاحكاً مستبشراً... قال و ما هی یا جبریل قال یا من اظهر الجمیل... الدعاء: یا من اظهر الجمیل و ستر القبيح یا من لم یواخذ بالجريرة و لم یهتك الستریا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا باسط الیدین (۶۰ ر)

۲۰-۵. توصیه رسول الله لعلي بن ابي طالب عليه السلام

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: يا علي اذا رايت الناس يشتغلون بالفضائل فاشتغل انت بالفرايض واذا اشتغل الناس بطلب الدنيا فاشتغل انت بطلب الآخرة واذا رايت الناس يشتغلون بطلب رضى الخلق فاشتغل انت بطلب رضى الخالق واذا رايت الناس يشتغلون بعمارة الدنيا فاشتغل انت بعمارة القلب واذا رايت الناس يشتغلون بعيوب البعض فاشتغل انت بعيوب نفسك واذا رايت الناس يشتغلون بمدح الناس فاشتغل انت بمدح الخالق».

۲۱-۵. چند حديث

«عن ابي عبد الله عليه السلام: من رقع جيبه و خصف نعله و حمل سلعته امن من الكبر.

قال النبي عليه السلام: ان من السرف ان تاكل كلما اشتهيت.

وقال شرار امتي الذي غدوا بالنعيم و نبتت عليه اجسادهم.

وقال عليه السلام: لشبر من الجنة خير من الدنيا وما فيها.

وقال عليه السلام: لو ان امرأة من نساء اهل الجنة اشرفت على اهل الدنيا لملات الارض ريح

المسك ولا ذهبت ضوء الشمس والقمر.

وقال عليه السلام: لا تجزع على ما فاتك من الدنيا فان الدنيا اليوم لك و غد الغيرك و اطلب الآخرة

فان شبراً من الآخرة خير من الدنيا وما فيها» (۶۰ ر).

۲۲-۵. دعاء سريع الاجابة

«عن معاوية بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال ان رجلاً اتى امير المؤمنين عليه السلام فشكى

اليه الابطاء بالايجاب في دعايه. فقال له اين انت من دعاء السريع الاجابة فقال الرجل وما هو

جعلت فداك؟ فقال له، قل: اللهم انى اسالك باسمك العظيم الاعظم الاجل الاكبر المخزون النور

البرهان الحق المبين الذى هو نور من نور و نور مع نور و نور فوق كل نور...» (۶۰ ر).

۲۳-۵. وصيت نامه از قول جعفر صادق عليه السلام

باتوجه به مضامين اين وصيت نامه، نسبت دادن اين وصيت نامه به امام صادق عليه السلام،

درست نيست. شايد منظور اين بوده كه محتواى اين وصيت نامه، طبق روايات وارده از امام

صادق عليه السلام، تنظيم شده است. در اين وصيت بعد از شهادت به توحيد و نبوت، شهادت به

ولايت خصوصاً غديري و ائمه دوازده گانه، قابل توجه است.



«بسمله. شهد الله أنه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم انّ الدين عند الله الاسلام وانا العبد المذنب الفقير المحتاج المجرم العاصي الحقيير اشهد لمنعمه وخالقه ومكرمه ورازقى كما شهد لذاته وشهد له الملائكة واولوا العلم من عباده بأنه لا اله الا هو ذو النعم والاحسان والكرم والامتنان... وبالقرآن الذى انزله عليه وبوصيه الذى نصبه يوم الغدير و اشار بتوجه هذا على اليه واشهد انّ الايمة الابرار والخلفاء الاخيار بعد الرسول المختار على قاصع الكفار ومن بعده سيد اولاده الحسن بن على، ثم اخوه السبط التابع لمرضاة الله الحسين ثم العابد على ثم الباقر محمد ثم الصادق جعفر ثم الكاظم موسى ثم الرضا على ثم النقى محمد ثم النقى على ثم الزكى الحسن ثم الحجة المنتظر المرجى الذى ببقاياه بقيت الدنيا ويمنه رزق الورى...». (٦٠ ب).

۲۴-۵. شش آیه ای که علی علیه السلام از قرآن استخراج نموده

«قال امیر المومنین علیه السلام: استخرجت من القرآن ستة آیات لا یبالی من قرأت ولو القی نفسه فی الهلکة وهی:
بسم الله الرحمن الرحیم. قُلْ لَنْ یصیبنا إِلَّا مَا کتَبَ اللهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللهِ فَلیتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
(التوبة/۵۱).

وَإِنْ یَسْئَلُکَ اللهُ بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ یُرِیدَکَ بِخَیْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ یصیبُ بِهِ مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (یونس/۱۰۷).
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ
(هود/۶).

إِنِّی تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ رَبِّی وَرَبِّکُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِہَا إِنَّ رَبِّی عَلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِیمٍ (هود/۵۶).

وَکَآئِنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللهُ یُرِزُّهَا وَإِیَاکُمْ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (العنکبوت/۶۰).
مَا یَفْتَحُ اللهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِکَ لَهَا وَمَا یُمْسِکُ فَلَا مَرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِیزُ
الْحَکِیمُ (فاطر/۲).

قُلْ أَفَرَأَیْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ إِنْ أَرَادَنی اللهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ کَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنی بِرَحْمَةٍ
هَلْ هُنَّ مُمْسِکَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِی اللهُ عَلَیهِ یَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (الزمر/۳۸).
یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمة الله علیکم إذ هم قومٌ أن یسئطوا علیکم أیدیهم فکفَّ أیدیهم
عنکم واتَّقوا الله وَعَلَى اللهِ فَلیتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (المائدة/۱۱)». (۶۰ ب).

شایان ذکر است که در صدر روایت تعداد آیات شش آیه ذکر شده، ولی در ادامه روایت
هشت آیه ذکر شده است.

۲۵-۵. دیوان علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام

«بسمله. رب یسر، لمولانا علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام. قافیة الالف:

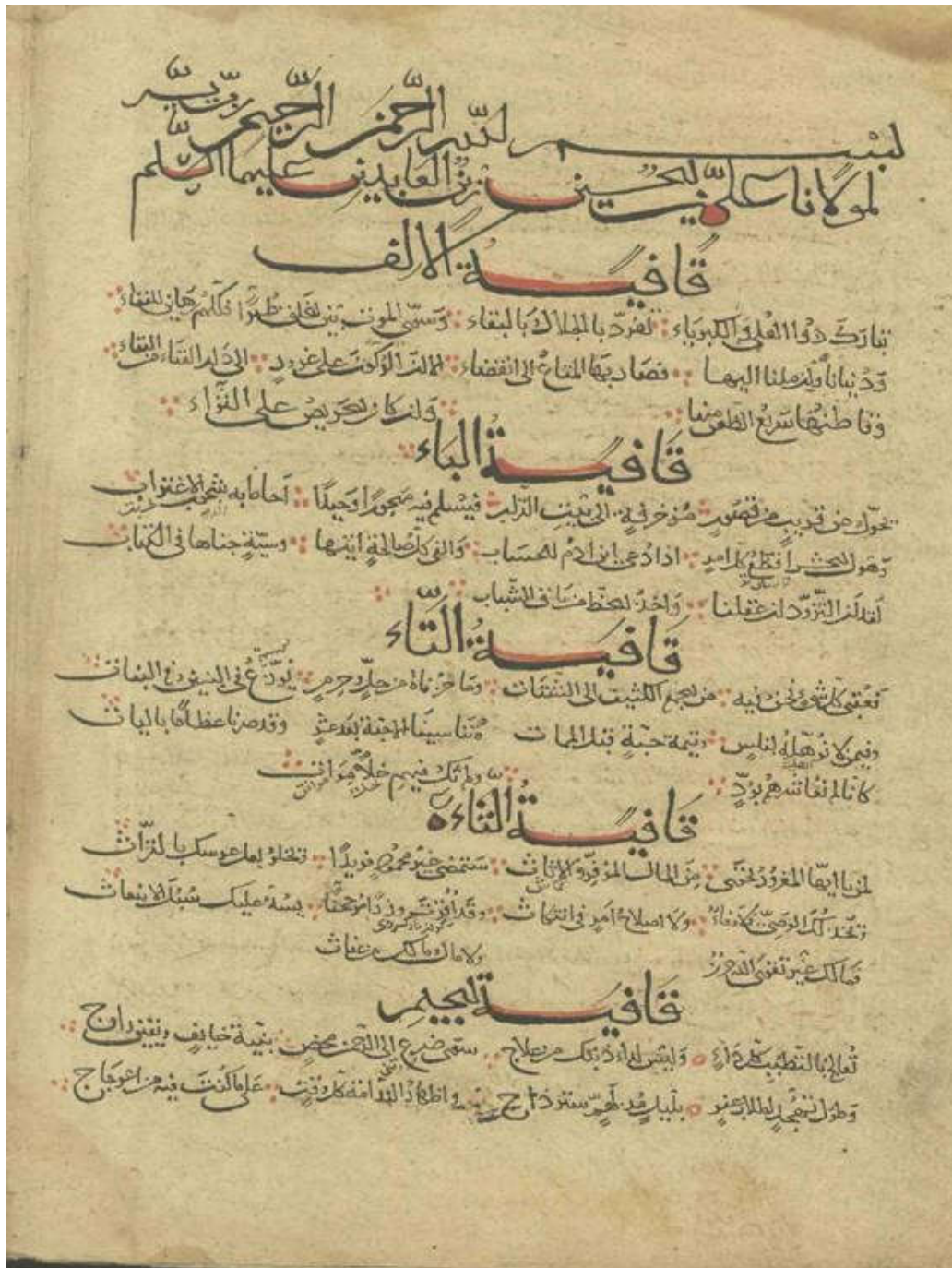
تبارک ذو العلی و الکبریاء	تفرّد بالجلال بالبقاء
وسوی الموت بین الخلق طراً	فکلّهم رهاین للفناء
ودنیانا وان ملنا الیها	فصار بها المتاع الی انقضاء
الا ان الرکون علی غرور	الی دار الفناء من البقاء

وقاظنها سریع الظعن منها وان كان الحریص علی الثواء

تحریر علی بن الحسین معروف به بروغالبی در روز سه شنبه رجب ۷۴۰ ق. (۶۱-۶۳ ب).
این نسخه تاکنون کهن ترین نسخه شناخته شده از این دیوان است و بعد از آن اقدام
نسخ، نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۵۵۵۷، است که در اول رجب ۹۰۳ ق، تحریر
شده است.^۱



۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۱۴، ص ۳۱۹.



تصویر صفحه اول دیوان امام سجاد علیه السلام
(تحریر سال ۷۴۰ ق، ص ۶۱ ر)



۲۶-۵. حدیث عنوان بصری

حدیث عنوان بصری در مصادرشیعی - قبل از این - اولین بار در بحار الانوار علامه مجلسی، نقل شده است. علامه مجلسی مصدر نقل خود را چنین ذکر نموده:

«أقول: وجدت بخط شيخنا البهائي قدس الله روحه ما هذا الفظه: قال الشيخ شمس الدين محمد بن مكي: نقلت من خط الشيخ أحمد الفراهاني رحمه الله، عن عنوان البصري»^۱.

به دلیل اهمیت حدیث عنوان بصری، متن آن در اینجا - به نقل از این سفینه که در سال ۷۴۰ ق تحریر شده - نقل، و تفاوت های آن با بحار الانوار، در پاورقی ها، ذکر می گردد.

«روی عن عنوان البصری - وكان شيخاً كبيراً، قد أتى عليه أربع وتسعون سنة - قال: كنت أختلف إلى مالك بن أنس سنين، فلما دخل الامام^۲ جعفر الصادق عليهما السلام^۳ المدينة اختلفت إليه، وأحببت أن آخذ عنه، كما أخذت عن مالك، فقال لي يوماً: إني رجل مطلوب ومع ذلك لي أوراد في كل ساعة من آناء الليل والنهار، فلا تشغلني عن وردى، وخذ عن مالك، واختلف إليه كما كنت تختلف إليه، فاغتممت من ذلك، وخرجت من عنده، وقلت في نفسي: لو تفرس في خيراً لما زجرتني عن الاختلاف إليه والاختلاف عنه، فدخلت مسجد الرسول صلى الله عليه وآله وسلمت عليه، ثم رجعت من الغد (القبر) إلى الروضة وصليت فيها ركعتين، وقلت: اسألك يا الله يا الله (يا الله) أن تعطف على قلب جعفر وترزقني من علمه ما أهتدي به إلى صراطك المستقيم، ورجعت إلى داري مغتماً حزيناً^۴ ولم أختلف إلى مالك بن أنس لما أشرب قلبي من حب جعفر^۵، فما خرجت من داري إلا إلى الصلاة المكتوبة حتى قل^۶ صبري، وضاقت صدري فلما رايت الحال تنعلت وتردّيت وقصدت جعفرًا وكان بعد ما صليت العصر، فلما حضرت باب داره استأذنت عليه فخرج خادم له.

فقال: ما حاجتك؟

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. مجاز: «فلما قدم» بدل «دخل الامام».

۳. مجاز: - «عليهما السلام».

۴. مجاز: - «صلى الله عليه وآله».

۵. مجاز: - «حزيناً».

۶. مجاز: - «عليه السلام».

۷. مجاز: «حتى عيل صبري، فلما ضاقت صدري تنعلت».

فقلت: اريد السلام على الشريف.

فقال: هو قائم في مصلاه.

فجلستُ بجذاء بابه، فماتلّبتُ إلا قليلاً إذ خرج خادم له^٣. فقال: ادخل على بركة الله. فدخلتُ وسلمتُ عليه، فردّ على^٤ السلام وقال: اجلس غفر الله لك، فجلست فأطرق ملياً، ثم رفع رأسه، وقال: أبو من؟ قلتُ: أبو عبد الله.

قال: ثبت الله كنيته ووقفك لمرضاته^٥، فقلت في نفسي^٦: لولم يكن لي من زيارته والتسليم غير هذا الدعاء لكان كثيراً.

ثم اطرق ملياً^٧ ثم رفع رأسه، فقال^٨: ما مسألتك؟^٩ فقلتُ: سألت الله أن يعطف قلبك على ويزقني من علمك، وأرجو أن الله تعالى أجابني في الشريف ما سألته.

فقال: يا أبا عبد الله ليس العلم بالتعلم، إنما هو نوريق في قلب من يريد الله تبارك وتعالى^{١٠} أن يهديه، فإن أردت العلم فاطلب أولاً في^{١١} نفسك حقيقة العبودية، واطلب العلم باستعماله، واستفهم الله (ان) يفهمك.

قلت: يا شريف. فقال: قل يا أبا عبد الله، قلت: يا أبا عبد الله^{١٢} ما حقيقة العبودية؟ قال^{١٣}: ثلاثة أشياء: أن لا يرى العبد لنفسه فيما خوّله الله ملكاً، لأن العبيد لا يكون لهم

١. مجاز: - «اريد».

٢. مجاز: «فماتلّبتُ إلا يسيراً إذ».

٣. مجاز: - «له».

٤. مجاز: - «على».

٥. مجاز: - «لمرضاته».

٦. مجاز: «قال: ثبت الله كنيته ووقفك لمرضاته، يا أبا عبد الله ما مسألتك؟ فقلت في نفسي».

٧. مجاز: - «ثم اطرق ملياً».

٨. مجاز: «ثم قال» بدل «وقال».

٩. مجاز: «فقال يا أبا عبد الله ما حاجتك» بدل «ما مسألتك».

١٠. مجاز: - «تبارك وتعالى».

١١. مجاز: «من» بدل «في».

١٢. مجاز: - «قلت: يا أبا عبد الله».

١٣. مجاز: «فقال».



ملك يرون المال مال الله يضعونه حيث أمرهم الله تعالى^١، ولا يدبر العبد لنفسه تدبيراً، وجملة اشتغاله فيما أمره تعالى به ونهاه عنه، فإذا لم يرى العبد لنفسه فيما خوله الله تعالى ملكاً، هان عليه الانفاق فيما أمره الله تعالى أن ينفق فيه، وإذا فوّض العبد تدبير نفسه على مدبره هان عليه مصائب الدنيا، وإذا اشتغل العبد بما أمره الله تعالى ونهاه لا يتفرغ منها إلى المراء والمباهاة مع الناس، فإذا أكرم الله تعالى^٢ العبد بهذه الثلاثة هان عليه الدنيا، والنفس^٣، والخلق، ولا يطلب يطلب الدنيا تكاثراً وتفخراً، ولا يطلب ما عند الناس عزاً وعلواً، ولا يدع أيامه باطلاً، فهذا أول أول درجة التقى، قال الله تبارك وتعالى: تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض ولا فساداً والعاقبة للمتقين.

قلت: يا أبا عبد الله أوصني، قال^٤: أوصيك بتسعة أشياء، فإتمها وصيتي لمريدي الطريق إلى الله تعالى عز وجل^٥، والله أسأل أن يوفقك لاستعماله، ثلاثة منها في رياضة النفس، وثلاثة منها في الحلم، وثلاثة منها في العلم، فاحفظها وإياك والتهاون بها. قال عنوان: فرغت^٦ قلبي له.

فقال: أما اللواتي في الرياضة: فإياك أن تأكل ما تشتهي^٧ فإنه يورث الحماقة والبله، ولا تأكل إلا عند الجوع، وإذا أكلت فكل حلالاً وسم الله، واذكر حديث الرسول: ما ملا آدمي وعاءاً شراً من بطنه فإن كان ولا بد^٨ فثلث لطعام وثلث لشرابه وثلث لنفسه. وأما اللواتي في الحلم: من^٩ قال لك: إن قلت واحدة سمعت عشرًا فقل: إن قلت عشرًا لم

١. مجاز: «أمرهم الله به».

٢. مجاز: «منها».

٣. مجاز: - «تعالى».

٤. مجاز: «وإبليس» بدل «والنفس».

٥. مجاز: - «ما».

٦. مجاز: «قال».

٧. مجاز: - «عز وجل».

٨. مجاز: «فرغت».

٩. مجاز: «فإياك أن تأكل ما لا تشتهي».

١٠. مجاز: «ولا بد».

١١. مجاز: «فن».

تسمع واحدة، ومن شتمك فقل له: إن كنت صادقاً فيما تقول فأسأل الله أن يغفرها لي^١، وإن كنت كاذباً^٢ فالله أسأل أن يغفرها^٣ لك، ومن أوعدك بالجفا فعهده بالنصيحة والدعاء^٤.
وأما اللواتي في العلم: فاسأل العلماء ما جهلت، وإياك أن تسألهم تعنتاً وتجربةً وإياك أن تعمل برأيك شيئاً، وخذ بالاحتياط في جميع ما تجد إليه سبيلاً، واهرب من الفتيا هربك من الاسد، ولا تجعل رقبتك للناس جسراً.

قم عني يا أبا عبد الله فقد نصحت لك ولا تفسد على وردى، فإني امرء ضنين بنفسي، والسلام»^٥. (٦٤-٦٤ ب).

٢٦-٥. نمازهای هفته

«فصلٌ فيما يعمل طول الاسبوع: ليلة السبت روى عن النبي صلعم أنه قال من صلى ليلة السبت اربع ركعات يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرةً وآية الكرسي ثلاث مرات...» (٦٥ ر).
این مطلب ناتمام مانده و از برگ (٦٥ ب) رکا به نسخه نشان می دهد که برگ یا برگ های، از نسخه افتاده و برگ بعدی ادامه برگ قبلی نمی باشد.

٢٧-٥. دو قصیده از ابوالمفاخر رازی در رثای سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام
در باره این دو قصیده ابوالمفاخر رازی، که منحصرراً در این سفینه آمده، در بخش جداگانه ای، توضیح داده، و متن کامل آنها، درج خواهد شد.

٢٨-٥. قصیده ای از امیر المومنین علی علیه السلام
«ذكر الامام علي بن احمد الواصبي عن ابي هريره قال اجتمعنا من اصحاب الرسول صلعم فيهم: ابوبكر وعمر و عثمان و طلحة و الزبير و الفضل بن العباس و عمار و عبد الرحمن و ابو ذر و المقداد و سلمان و عبد الله بن مسعود فاخذوا من مناقبهم فدخل علي بن ابي طالب عليه السلام فقال فيم انتم فقالوا تتذاكر مناقبنا مما سمعنا من رسول الله صلعم فقال لهم اسمعوا مني و عدا، ثم انشاء هذا الشعر:

لقد علم الانام بان سهمي

١. مجاز: «ان يغفر لي».

٢. مجاز - «وإن كنت كاذباً فيما تقول فالله».

٣. مجاز: «ان يغفر».

٤. مجاز: «ومن وعدك بالحنى فعهده بالنصيحة والرعا».

٥. مجاز: «والسلام علي من اتبع الهدى».



من الاسلام یفضل کل سهم

... و بعد از آن ده بیت دیگر». (٦٦ ب)

٢٩-٥. خطبة البیان، از علی علیه السلام (٦٦-٦٧ ر)

«قال امیر المومنین علیه السلام فی منبر الکوفة بعد حمد الله ورسوله قال: سیظهر فی آخر الزمان ستون خصلة قال جابر وما هی یا امیر المومنین؟ متى یکون ذلك؟ قال اذا وقع الموت فی العلماء والفقهاء...». (٦٦-٦٧ ر).

٣٠-٥. وصية النبی للعلی بن ابی طالب علیه السلام

«بسمله. الحمد لله رب العالمین والعاقبة المحمودة للمتقین ولا عدوان الا علی الظالمین و الصلوة علی محمد وآله الطیبین الطاهرین قال النبی صلعم لوصیه امیر المومنین علی بن ابی طالب: یا علی اوصیکم بوصیة فاحفظها...». تحریر دوشنبه رجب ٧٤٠ ق. (٦٨-٧٣ ب).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان الا على الظالمين المصروف على
 محمد وآله الطيبين الطاهرين **قال النوبختي** لو وصية امير المؤمنين
علي بن طالب يا علي اوصيك لو وصية فاحفظها فلا يزال خير ما حفظت
 وصيتي يا علي من كظم غيظا ومرو يقدر على انفاذه اغتبه الله يوم القيامة املاكه اياها
 بلخ امامه يا علي من كظم غيظا ومرو يقدر على انفاذه كان نقصا من ربه ولم يملك الشفاعة
يا علي افضل الصلوات من اجتمع لا يجمع بظلم احد **يا علي** من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار
يا علي شتر الناس من اكرمه الناس انفاشته **يا علي** شتر الناس من بلغ اخوته بذنابه
 وشتر من ذلك من باع اخوته بدينه **يا علي** من لم يقبل العذر لم يفتضل صاذا كان
 او كما ذكرا لم يتك شفعا **يا علي** الذي الله شرب الكذب والصلاح والبصير الصدق
 في الفساد **يا علي** من ترك الخير لغير الله عذره جلد سبعة الله من الرجوع المحترم ما علم
 قلت يا رسول الله لغير الله قال نعم والله صيافه على نفسه يشكره الله عز وجل
يا علي شاد ب الخمر كما بد الوث **يا علي** شاد ب الخمر لا يقبل صلواته ولا يبيز ثوبها **يا علي**
 كل مسكر حرام **يا علي** شاد ب الخمر وساعه لا يعرف فيها ربه **يا علي** الاله
 الحجاب الاله اسقى الموت من الاله ملك موجه **يا علي** لو تيقضا امامه **يا علي** من لا يتلنع
 بدنيه ولا ذنابه لا خير في مجالسته **يا علي** لو تيقضا امامه **يا علي** من لا يتلنع
 يبيع نفسه بكونه المؤمن ثبات خصايب وقاد عند هذا هنر **يا علي** وصبر عند البلا **يا علي** وشكوره
 عند الرخا **يا علي** وقنع بما رزقه الله عز وجل ولا يظلم الماعدا **يا علي** ولا يتعامل على الاصدنا **يا علي** بدنه
 منه **يا علي** والناس منه في راحة **يا علي** اربعة لا ترد لهم عن امام حاد **يا علي** والذ
 لوله **يا علي** والرجل يدعوا لحيه بظلمه الغيب والمظلوم يقول الله عز وجل يعزني جلال لا يفتون
 له ولو بعد حين **يا علي** ثابته انا حينوا فلا تلو منوا انفسهم **يا علي** الما يبيع لم يبيع
 اليها **يا علي** والمتماوه على رب البيت **يا علي** وطالب الخير من اعدايه **يا علي** طالب الفضل من اليام **يا علي** والواظ

تصوير صفحه اول وصيت النبي ﷺ على بن ابي طالب عليه السلام (ص ۶۸)

٣١-٥. مناجات امير المؤمنين عليه السلام

«اللهم ائى اسئلك الامان الامان يا كريم يوم لا ينفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم، اسئلك الامان الامان يا كريم يوم ينفخ فى الصور فصعق من فى السموات والارض الا من شاء الله...» (٧٣ب-٧٤ر).

٣٢-٥. دو قصيده از على عليه السلام

قال امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام:

اذا قربت ساعة يا لها

وزلزلت الارض زلزالها

تسير الجبال على سرعة

كم السحاب ترى حالها

... وبعد از آن نه بيت ديگر (٧٤ب)

وله عليه السلام:

اذا عاش امرء ستين عاماً

فنصف العمر تمحقه الليالى

... وبعد از آن چهار بيت ديگر (٧٤ب)

٣٣-٥. حديث نبوى (ص)

«قال النبى صلى الله عليه وآله:

اوحى الله تعالى الى موسى عليه السلام: يا موسى ائى وضعت خمسة اشياء فى خمسة اشياء و

الناس يطلبون فى خمسة اخرى فتى يجدون! ائى وضعت عز عبادى فى طاعتى فهم يطلبون

من باب السلطان، فتى يجدون!

ائى وضعت العلم والحكمة فى الجوع فهم يطلبون فى الشبع، فتى يجدون!

ائى وضعت الغنى فى القناعة وهم يطلبون فى المال، فتى يجدون!

ائى وضعت الراحة فى الآخرة وهم يطلبون فى الدنيا، فتى يجدون!

ائى وضعت رضاي فى مخالفة هواهم وهم يطلبون فى موافقة هواهم، فتى يجدون!.

(٧٤ب)



۳۴-۵. نثر الثالی

از: فضل بن حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸ق)

«بسمله. نثر الثالی من كلام امير المومنين على بن ابى طالب عليه افضل الصلوة واکمل التحيات، على حروف المعجم، الالف: ايمان المرء يعرف بايمانه، اخوك من سواك فى الشدة، اظهار الغنى من الشكر، ادب المرء خير من ذهبه ... يأس القلب راحة النفس، يسعد الرجل بمصاحبة السعيد. تم بحمد لله و حسن توفيقه و صلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين».

(۷۵-۷۷ر)

۳۵-۵. وصية امير المومنين على بن ابى طالب عليه السلام لابنه محمد الحنفية

«بسمله به نستعين. ذكر الحارث الاعور المكى عن امير المومنين على بن ابى طالب عليه السلام انه خاطب ابنه محمد الحنفية بهذه الكلمات: من حلم ساد، و من ساد جاد، و من جاد استناد، و من استحيأ تحرم، و من هاب خاب، و من طلب الرياسة صبر على مضض السياسة، و من ابصر عيب نفسه اشتغل عن عيب غيره، و من تعرى عن لباس التقوى لم يستر بشى من اللباس ... و من عرف اجله قصر امله، و الغيظ يورث الكمد و كثرة الزيارات توخى الى الملالات. تمت بحمد لله و حسن توفيقه و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين».

تحرير شعبان ۷۴۰ق. (۷۷ب).

(محل تصوير ۸)

۳۶-۵. مناجات الندبة امام زين العابدين عليه السلام

«بسمله. عن سفیان بن عیینة عن الزهرى بن شهب قال سمعت على بن الحسين سيد العابدين صلوات عليه يحاسب نفسه و يناجى ربه و يقول: النثر: يا نفس حتام الى الحياة سكونك و الى الدنيا و عماراتها ركونك اما اعتبرت بمن مضى من اسلافك ... و دينك منقوص و مالك وافر. تمت الندبة و الصلوة على محمد بعده و سلم تسليماً عظيماً حامداً له و مصلياً لوليه و نبيه».

(۷۸-۷۹ب).

۳۷-۵. احاديث المنتخبة من النبى و الائمة عليه السلام

از: مؤلف سفينه

مؤلف سفينه در اين دو بخش روايت هاى را از امامان شيعه، با حذف سند، انتخاب و نقل نموده است. او اصلاً به ماخذ يا ماخذهاى خود اشاره اى نکرده است.

«بسمله وبه نستعين. الاحاديث المروية عن النبي صلعم وعن الائمة المعصومين برواية صحيحة محذوفة الاسانيد متخبة من كتب شتى:

عن ابن عمر قال: سالت رسول الله صلعم فى على بن ابى طالب، فغضب، فقال: ما بال قوم يذكرون من له منزلة كمنزلتى الا ومن احبب علياً فقد احببى ومن احببى رضى الله عنه ومن رضى الله كافاه بالجنة...» (٨٣-٩٠ ب)

«من كلام النبى والائمة عليهم السلام فى ذم الدنيا:

عن ابى عبد الله عليه قال فى وصية لقمان لابنه: يا بنى ان الدنيا قليل وعمرك منها قليل من قليل ويقدم من القليل قليل...» (٧٩-٨١ ب).



۳۸-۵. دو حدیث علوی و نسب نامہ حضرت پیامبر (ص) با حدیثی از امام صادق علیہ السلام

«قال امیر المؤمنین علیہ السلام: اجیعوا اکبادکم واعرفوا صورکم ...

محمد بن عبد اللہ بن عبد المطلب بن ہاشم بن عبد مناف بن قصی ...

روی عن الصادق صلی اللہ علیہ وسلم انه قال عند ذکر قوله تعالیٰ و ذکرى لكل عبد منیب اعلموا ان من اناب ابصر و ابصر عرف و من عرف طلب و من طلب وجد و من وجد وصل و من وصل اتصل و من اتصل احب و من احب اشتاق و من اشتاق انس ...

قال امیر المؤمنین علیہ السلام: لا تطلبن معیشتہ بمذلة / و ارفع بنفسک عن دنی المطلب ... و ادامہ دو بیت دیگر. (۸۲ ب).

۳۹-۵. خطبہ حضرت پیامبر (ص) در آخر عمر شریفشان

«بسمله. اخبرنی الشیخ الامام الاجل لعالم حماد الدین ابو جعفر ابی القسم الطبری ان الشیخ السعید ابی محمد بن الحسین بن بابویہ رحمہ اللہ قراہ علیہ سنة عشرة و خمسمائة عن عمہ ...». تحریر روز شنبہ رجب ۷۴۰ ق. (۹۱-۹۷ ر)

۴۰-۵. خطبہ ملیح ملیحہ

«خطبہ ملیح ملیحہ، الحمد لله المتفرد بكمال البهاء المتوحد بمجمل الصناء المتعزز برداء الكبرياء فاطر العرش من الياقوتة الحمراء و خالق الكرسي من الدرّة البيضاء الرافع من الدخان افلاك السماء و منورها بالشمس و القمر ... و علی آله المعصومین المنصوصین خصوصاً علی اخیه و ابن عمه و وزیره و مستودع علمه و باب حکمتہ و ناطق محجته .. الی الآخر حتی محمد بن الحسن علیہ السلام». (۹۷ ب)

۴۱-۵. اسماء حسناى الهی با عدد ابجدی هر کدام

«بسم الله آمنت بالله و بعظمة الله و كبرت بالجيت و الطاغوت و اسلمت وجهی للذی خلق الملك و الملكوت و توكلت علی الحی الذی لا يموت ... قال الله تعالیٰ و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها: هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن ۲۹۹، الرحیم ۲۵۷، الملك ۹۰، القدوس ۱۷۰، السلام ۱۳۱، المؤمن ۱۳۱۳ ... الرشید ۵۱۴، الصبور ۲۹۸، توكلت عليك و فوضت امری اليك». (۹۸-۹۸ ب)

۴۲-۵. الأربعون الودعانية

از ابونصر محمد بن علی موصلی معروف به ابن ودعان (م ۴۹۴ ق)، عربی، نسخه حاضر تا حدیث بیست و هشتم را دارد. این اربعین را تماماً دیلمی در کتابش «أعلام الدین فی صفات المؤمنین» درج نموده و نسخه کهنی از شرح اربعین و دعانیه در مدرسه نمازی خوی به شماره ۶۲۹ ق، تحریر ۶۹۹ ق نگهداری می شود آقای سید محمد جواد حسینی آن را، از روی همان نسخه تحقیق و تصحیح نموده و در میراث حدیث شیعه، دفتر هفدهم، ص ۱۸۵-۳۰۶، به چاپ رسیده است.

«بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. كتاب الاربعين في الاحاديث. الحديث الأول: عن أنس بن

مالك قال: خطبنا رسول الله صلعم على ناقته الجدعا فقال: أيها الناس، كأنّ الموت فيها على غيرنا كتب، وكأنّ الحق فيها على غيرنا وجب، وكأنّ الذين نشيع من الأموات سَفَرُ عَمَّا قَلِيلٍ إلينا راجعون، نبوؤهم أجدائهم ونأكل تراثهم... الحديث الثامن والعشرون عن ابن عباس رضى الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: أيها الناس، بسيط الأمل متقدّم حلول الأجل، والمعاد مضمار العمل، فغتبط بما احتقَبَ غانم، ومبتئس بما فاتته من العمل نادم. أيها الناس، إنّ الطمع فقر، واليأس غنى، والقناعة راحة، والعزلة عبادة، والعمل كنز، والدنيا معدن، والله ما يسره فيما مضى من دنياكم هذه». (٩٩-١٠٢ب).

٤٣-٥. دعای اویس قرنی

«دعاء شيخ اويس قرني قدس الله سره ونور مرقده. بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم أنك حى لا تموت وغالب لا تغلب وبصير لا ترتاب وسميع لا تشك وبدىء لا تفقد وصادق لا تكذب وقاهر لا تقهر وقريب لا تبعد وقادر لا تضاد وغافر لا تنظلم وصدماً لا يطعم...». (١٠٣-١٠٣ب).

٤٤-٥. خطبه مليح وهفت روايت كوتاه علوى

«الحمد لله خالق الارض والسماء من قطرة ماء مرعدة مربدة كماء اخرج الجبار من جوف جوهره و كانت من حصاة نهر الكوثر...» (١٠٦)

٤٥-٥. خطبه بى نقطه حضرت على عليه السلام

«ومن خطبة مولانا اميرالمومنين على بن ابى طالب عليه شرايف الصلوات، ليس فيها حرف منقوطة سوى هاء التانيث المحلة على الوقف لنفى النقطين عنه عند الوقف، ما احسن تركيبه وتاليفه لا يقدر غيره:

الحمد لله اهل الحمد وماواه وله اوكد الحمد واعلاه واسعد الحمد واسراه واطهر الحمد واسماه و اكرم الحمد والولاه الواحد العدل الصمد لا والد ولاولد ملك الملوك واعطاها واهلك العداة». (١٠٦ب).

٤٦-٥. خطبه بى الف حضرت على عليه السلام

«ومن خطبته عليه السلام لها باسقاط الالف:

حَمَدْتُ مِنْ عَظُمَتْ مَنَّتُهُ، وَسَبَّغَتْ نَعْمَتُهُ، وَسَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُهُ، وَنَفَذَتْ مَشِيَتَهُ، وَبَلَغَتْ قَضِيَتَهُ. حَمَدْتُ حَمْدَ مُقَرَّبِ رُبُوبِيَّتِهِ، مَتَخَضِعٍ لِعِبُودِيَّتِهِ، مَتَنَصِّلٍ مِنْ خَطِيئَتِهِ، مُعْتَرِفٍ بِتَوْحِيدِهِ، مُؤَمِّلٍ مِنْ رَبِّهِ رَحْمَةً تُنَجِّيه يَوْمَ يَشْغَلُ عَنْ فَصِيلَتِهِ وَبَنِيهِ. وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَرْشِدُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنُؤْمِنُ بِهِ وَتَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَشَهِدْتُ لَهُ شَهُودَ مُخْلِصٍ مُوقِنٍ، وَفَرَدْتُهُ تَفْرِيدَ مُؤْمِنٍ مُتَّقِنٍ، وَوَحَّدْتُهُ تَوْحِيدَ عَبْدٍ مُذْعَنٍ». (١٠٧-١٠٧ب).

٤٧-٥. خطبه امام حسين عليه السلام

«ومن خطبة مولانا عبد الله الحسين بن على عليهما السلام لما اهيط بكريلاء قام بين الصفين

فحمد الله واثنى عليه، ثم قال:

تَبَّأَ لَكُمْ أَيُّهَا الْجَمَاعَةُ وَتَرَحَّأَ أَحِينِ اسْتَنْصَرِخْتُمُونَا وَهَلِينِ فَاصْرَخْنَاكُمْ مَرْجَفِينَ سَلَّمْتُمْ عَنَّا سَيْفًا كَانَ فِي
إِيمَانِنَا وَحَشَشْتُمْ نَادًا أَقْتَرَحْنَاهَا عَلَى عَدُونِنَا وَعَدُوِّكُمْ...» (۱۰۸-۱۰۸ب).

۴۸-۵. لمعات عراقی

«کتاب اللمعات للشيخ فخرالدين عراقی قدس سره:

بسمله. الحمد لله الذي نور وجهه حبيبه بتجليات الحال فتلالاً نوراً وابصر فيه غايات الكمال ففرج
به سروراً...» تحرير در رمضان سال ۷۴۰ ق. (۱۱۰-۱۱۹ب).

۴۹-۵. تذكرة الاولیای عطار

کاتب ابتدا اسامی عارفانی که احوال آنها در تذکره الاولیای آمده، ذکر نموده، بعد از آن شرح حال سیزده
نفر از اول کتاب را با تلخیص، تحریر کرده است.

«جعفر صادق عليه السلام، اویس قرنی، مالک دینار... ذکر امام جعفر الصادق عليه السلام نقلست که جعفر
صادق مدتی خلوت گرفت و بیرون نیامد سفیان ثوری قدس الله سره به در خانه او آمد و گفت مردمان
از فواید انفس تو محرومند چرا عزلت گرفتی صادق عليه السلام جواب داد...» (۱۲۰-۱۲۱ب)

۵۰-۵. تعریف تعیین اول و وصیت نامه عرفانی کوتاه مولوی رومی صاحب مثنوی (۱۲۱ب)

۵۱-۵. کیمیای سعادت غزالی

بخشی از اول کیمیای سعادت است. (۱۲۶-۱۳۳ب)

۵۲-۵. اثنا عشر کلمه انتخبها علی عليه السلام من التورات (۱۳۴ر)

۵۳-۵. حدیث خلقت دنیا به نقل از موسی عليه السلام (۱۳۴ب)

۵۴-۵. الدرّة الباهرة من الاصداف الطاهرة من كلام النبي عليه السلام

آغاز: «بسمله. عونك يا لطيف. الدرّة الباهرة من الاصداف الطاهرة من كلام النبي عليه السلام. قال عليه السلام.
العلم وديعة الله في أرضه، والعلماء أمناءه عليه فمن عمل بعلمه أدى أمانته، ومن لم يعمل بعلمه كتب
في ديوان الله من الخائنين، وقال أنكم لن تسعوا الناس بأموالكم فسعوهم بأخلاقكم، وقال تفرغوا من
هموم الدنيا ما استطعتم فإنه من أقبل على الله بقلبه، جعل الله قلوب العباد منكادة إليه بالود والرحمة و
كان الله إليه بكل خير أسرع، وقال لا يرد القدر إلا الدعاء، ولا يزيد في العمر إلا البر وأن الرجل ليحرم
الرزق بالذنب يصيبه، حسن الظن بالله من عبادة الله، ارحموا عزيز قوم ذل، وغنى قوم افتقر، وعالما
تتلاعب به الجهال.»

انجام: «... واما علة ما وقع من الغيبة فإن الله عزوجل يقول: يا أيها الذين آمنوا لا تنسألوا عن أشياء إن
تبد لكم تسؤكم، أنه لم يكن أحد من آبائي إلا وقد وقعت في عنقه بيعة لطاغية زمانه وأنى لأخرج حين
أخرج ولا بيعة لأحد من الطواغيت في عنقي. واما وجه الإنتفاع بي في غيبتى فكالإنتفاع بالشمس

إذا غيبتها عن الأبصار السحاب، إني لأمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل الأرض والسماء». نسخه های چاپی الدرّة الباهرة، در اینجا به پایان می رسد. و در نسخه حاضر، بعد از اتمام رساله این تقدیمیّه آمده که در نسخه چاپی وجود ندارد.

«فهذه درة من جمل الرحمة وقطرة من بحر الحكمة جمعها لك والحقتها الى عالي مجلسك لتوقع في رياض فرايدها وتسبخ في حياض فوايدها وتحن الى لذاتها فتستخرجها من مظانها وتفتزع ابكار بواكرها وخصصت باتحصانها على حضرتك لانك الدرّة اليتيمة من خلل الصدق والمفرة الواضحة في جبين خلك الشريف واحوى من يهدى اليه الحوراء الانسية الارواح القدسية امثالاً لامر من له الامران الله يامرکم ان تردوا الامانات الى اهلها واسال الله تعالى ان يصرف معظم همك الى التشييد معالم الاسلام و يصيرك اشرف تاجاً على قمة الكرام ويجعل عتيتك الشريفة قبلة حاجات الانام مدة بقاء الايام والاعوام و هذا دعاء لوسكت كفيته. والحمد لله الازلي الابدی والصلوة على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين». تحرير جمعه رجب ۷۴۰ ق. (۱۳۵-۱۳۹).

در چاپ کتاب الدرّة الباهرة، این رساله به شهید اول أبو عبد الله محمد بن مکی (شهادت در ۷۸۶ ق)، نسبت داده شده است. ولی می دانیم که شهید اول در سال ۷۳۴ ق در روستای جزین^۱ جبل عامل، متولد شده و با توجه به نسخه حاضر از الدرّة الباهرة - که در سال ۷۴۰ ق تحریر شده - نسبت این رساله به شهید اول نمی تواند درست باشد. زیرا معقول نیست که کسی در شش سالگی اثری بنویسد و آن را به حاکمی تقدیم نماید.

با توجه به توضیحات یاد شده می توان نتیجه گرفت که این الدرّة الباهرة تألیف جامع این سفینه - یعنی علی بن حسین روغای - است که متقدم بر شهید اول بوده و می خواسته این رساله را به یکی از حاکمان تقدیم کند و نسخه حاضر مسوده آن است، زیرا خطبه اهدایی که مؤلف انشاء نموده در آخر رساله آمده و نام مهدی الیه نیز ذکر نشده، و مؤلف بنا داشته که در نسخه مبیضه خطبه اهداییه را در اول رساله آورد و نام مهدی الیه را ذکر نماید.

من فدا صطفاه الله للنبوة وانقاعها لم يبد قد لم يصلح وقد يظن انه لم يصلح سلمنا
 انه لا اختيار لمن لا يعلم ما تحفى القلوب له ذلك الا خطر الاختيار المتناجزين والاضار
 بعد وقوع خيرة الانبياء على ارضي الله انما اذادوا اهل الصلوة وما كتبه علم
 جوا بله مسخن يعقوب الى العمرك اما طمعه الفرح انى الله وكذب الوفاقين
 واما لحوادث الوافين فاجهقوا اينما الى رولة حديثنا فانتم جنتي عليكم وانا جنة
 الله واما المتلبس من باموالنا فما ينتم منها شيئا من كل ما نأيا كل
 القليل من دامت الحجة فقد ايج لشيعتنا وجهلوا منه في حرك الى وقت ظهور
 امونا لي طيب واولادهم ولا تخبت واما علة ما وقع من الغيبة فان الله تم
 يقول يا ايها الذين امنوا لا تسئلوا عن اشياء قد نزلت لكم فنقولم انه لم يكن لاهل
 ابائنا ان يدونفت في عنقه بيعة اطارية زمانه والتي الاجز ميين اخذوا ولا
 بيعة الاصل من الطارية في عنقهم واما وجه الغيبة في غيبته في الاثنا
 بالشمس اذ اجتهدا عن الاضاح والستحاب لمن الامان اهل الارض كالتل التجمع
 اما من اهل الارض السوا فم
 كذا الحكمة جمعتهما لك والحفتها الى عالى مجلسك لتوقع في رياض فوايد
 وتبني في جياض فوايدها وتحت الى لذاتها فتسخر جهاد مظانها
 وتفتوح البحار بوالدها وخصتصت باخصانها حضرتك لانك الدرقة
 اليمتت من حلك الصدف والمفرقة الواضحة في جبينه فلك الشريفة
 لصوتى من يهدى اليه الكوراء له لسببته المارولع القدسية امتنا لا
 لا صدمت له له مؤلف الله يا موكم لذ ثور والمانات الى اهلها
 واسان الله نفع لك يصف معظم حرك الى التشبيد معال الايلام
 ويصير كاشرفنا على قمة الكدام ويجعد عنتيك الشريفة قبلت حاجات
 الامام مة بقا الاميام والامام وهو لا ضها لويك كفتيه والحمد لله الذي لا يوتى
 العصر من السوا يوم يوم
 كسر لزيوسه
 والاهلقة على صراط
 محمد وال الطير الطامرس

٢٩

۵-۵۰. توقيع حضرت صاحب الزمان به شیخ مفید

«بسمله. اخبرنا الشيخ ابوالغنائم عبد الله بن محمد قال اخبرني والدي الشريف ابويعلى محمد بن الحسن الجعفرى قال اخبرني الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان رضى الله عنه، قال: كنت جالسا على باب دارى فاقبل على رجل بعد العصر وكان الى جانب الكهولية و عليه ثياب فاختية فسلم على وسلم الى كتاباً وذلك فى ايام بقيين من صفر من سنة عشر واربعمائة ذكر مرصله انه يحمل من ناحية متصلة بالحجاز عنوانه:

الأخ السديد، والمولى الرشيد، الشيخ المفيد، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان أدام الله إعزازه، من مستودع العهد المأخوذ على العباد.

بسم الله الرحمن الرحيم. أما بعد، سلام الله عليك أيها الاخ المخلص فى الدين المخصوص فينا باليقين، فانا نحمد إليك الله الذى لا إله إلا هو، ونسأله الصلاة على سيدنا ومولانا نبينا محمد وآله الطاهرين ونعلمك أدام الله توفيقك لنصرة الحق وأجزل مشوبتك على نطقك عنا بالصدق». (۱۴۰-۱۴۰ب)

این توقيع را طبرسی در احتجاج، و بعد از آن علامه مجلسی در بحار به نقل از وی آورده،^۱ ولی با نسخه حاضر در برخی الفاظ اختلاف دارد. علاوه بر آن نسخه حاضر سندی دارد که در احتجاج به چشم نمی خورد.



۱. احتجاج طبرسی، ص ۴۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، به نقل از احتجاج.

بسم الله الرحمن الرحيم اخبرنا الشيخ ابو الغنائم محمد بن محمد
قال اخبرني بذلك الشريف ابو علي محمد بن الحسين الجعفي قال اخبرني الشيخ
المفيد محمد بن محمد بن النعمان رضي الله عنه قال كنت جالساً على باب دار
ما قبل علي بن ابي طالب بعد العصور كان الحجاز الكعوبية وعليه ثياب جاهلية
فسلم علي بن سلم الي كئنا بارز ذلك في ايام يفتن من صغره من سنة عشر
ولد بهما ذكره في صفة الله في قوله من ناحية متصله بالاجازة عن ابيه
الاجازة السديده والمراد الشريف الشيخ المفيد ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان
ادام الله اعزازه من حين ذاك العهد الماخوذ على العباد بهم في العهد
ام بعد حمد الله عليك ايها الماخوذ في الدين المخصوص بيننا وبينهم
فانا نأخذ اليك الله الذي لا اله الا هو ونسأله الصلوة على سيدنا ووالينا محمد الذي هو
وتعلمك اذ ام الله تزيقك لفضة الحق واخذل فتوتك على نطقك عنا
بالصدق انه قد ادانت لنا في قشيفك يامك كائنت وتكليفك فيهما ما تودين
عنا الى امر الينا قبلك اعزهم الله بطاعته وكنافهم المعصم برعايتهم ومواسيتهم
تنت ايديك الله بعونه على اعدائه الما ريتهم عن دينه على ما يدركه واعلم
نادية التي منسكن اليه بما يرضه لخصه بقدرنا في نحن ذلك لنا فابن كما ننا
النا الذي عز مسكن الظالمين حسب الذي رآه الله تعالى من الصلاح والسياسة
المؤمنين في ذلك ما امنت ذلكم الدنيا للناسقين فاقول الخيط على بابنا
يكنم ولا يعزب عنا شئ من افعالكم ومعرفةنا بالالذ الذي اصابكم منذ
جرح كثير منكم الي ما كان السلف الصالح عنه ناهين وينذرا
العهد الماخوذ وراه ظمهم كما هم لا يعلمون انا غير مهملين بلز اعانكم ولا
ناسين لذكركم لولا ذلك لنزلكم اللاداء واصطلمكم لاعداءنا
تغز الله جل جلاله وجاهدوا ناعل انبنا سلم من فتنة لو فسها تدناخت
عليكم بكل كلمتها هلك فينا من حمم اهلها وتحمي منها ما ذكره الله في
امارة لا در حدكتنا و منا فسلتكم لامونا ونحينا والله يتهم نعرع
ولو كره المشركون ناعنهم و ابا لتقية من شئت ناول الجاهلية فحشها عصب



تصوير صفحه اول توقيع امام زمان عجل الله فرجه به شيخ مفيد با سند آن (۱۴۰)

۵۶-۵. احادیث نبوی و ولوی

شامل چهار حدیث نبوی و دو حدیث از حضرت امیر علیه السلام و حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام

«قال النبي صلى الله عليه وآله الا خبركم عن ملوك الجنة؟ قالوا بلى يا رسول الله. فقال الدنس الثياب الشعث الروس الذين لا يزوجون المنعمات ولا يفتح لهم الابواب ان حضروا لم يعرفوا وان غابوا لم يتفقوا يموت احدهم وحاجته يتلجلج في صدره. قال امير المؤمنين علیه السلام الهى وعزتك و جلالك وعظمتك اولنى مذ بدعت فطرنى...». (۱۴۱ ب).

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين

پایان بخش اول

